### چكيده

از تازه‏ترين مباحث حقوق بين‏الملل در عرصه حقوق ديپلماتيك، سوء استفاده از مصونيتهاى ديپلماتيك است. در تحقيق حاضر، نخست مفهوم مصونيت تبيين شده و اسناد حقوق ديپلماتيك معرفى مى‏شود. پس از آن مبانى فلسفى و حقوقى اعطاى مصونيت به نمايندگان دولتها بررسى مى‏شود. از اين طريق هدف از سوء استفاده از مصونيتهاى ديپلماتيك روشن گرديده و دو اصل «عدم مداخله» و «احترام به قوانين و مقررات دولت پذيرنده» به عنوان اصول لازم الرعايه از سوى هيأتهاى نمايندگى دولتها مجال طرح مى‏يابند. در ادامه به برخى از مصاديق سوء استفاده از مصونيتها اشاره نموده، در پايان به ضمانت اجراى سوء استفاده از مصونيتها خواهيم پرداخت.

واژگان كليدى: مصونيت سياسى، حقوق ديپلماتيك، حقوق بين‏الملل.

### مقدمه

مصونيت ديپلماتيك، پيشينه‏اى ديرينه در تاريخ روابط دولتها و ملتها با يكديگر دارد.از اصولى كه ملل متمدن در طول تاريخ همواره آن را به ديده احترام و قداست رعايت نموده‏اند، اصل مصونيت فرستادگان است. «گروسيوس» پدر حقوق بين‏المللِ نوين در اين باره مى‏گويد:«دو اصل ثابت، همواره در قانون ملتها وجود داشته كه به سفيران تعلق دارد، نخست آنكه استقبال از سفيران لازم است و ديگر، بايد از هر گونه تعرض سوء نسبت به آنان بر حذر بود.»(الشامى: 426)

مصونيت فرستادگان را اولين قاعده حقوق بين‏الملل دانسته‏اند.از قرن شانزدهم، مصونيت كيفرى فرستاده و از قرن هفدهم با استقرار سفارتخانه‏ها در اروپا مصونيت اماكن مأموريت به عنوان يك قاعده حقوق بين‏الملل نوين به رسميت شناخته شد.(Denza:94) قبل از اين تاريخ مأموريتها به صورت موقت بود و مأمور پس از ابلاغ مأموريت به كشور خويش باز مى‏گشت.

### مفهوم مصونيت (Immunity)

مركز ثقل و هسته اصلى مباحث حقوق ديپلماتيك را مبحث مصونيتها و مزايا تشكيل مى‏دهد. از آنجا كه اين دو واژه در ادبيات حقوق ديپلماتيك، كنار هم آورده مى‏شوند، لازم است به هدف تعيين محدوده بحث، مفهوم و تفاوتهاى اين دو واژه - هر چند به اختصار- روشن گردد، كه البته به تبع آن مفاهيم وابسته، مانند مفهوم سوء استفاده از مصونيت نيز به دست خواهد آمد.

«مصونيت» كلمه‏اى است كه در ادبيات حقوقى فارسى، معادل و ترجمه واژه (Immunity) در نظر گرفته شده است. مصونيت، مصدر جعلى؛ به معناى مصون ماندن و محفوظ بودن است.از نظر اشتقاق؛ كلمه «مصون» اسم مفعول به معناى حفاظت شده است و در لغت عرب ريشه «صون» هر جا به كار رود، در آن معناى محافظت نهفته است.(ر.ك: احمد بن فارس: 324؛ المنجد) با آنكه «مصونيت» واژه‏اى تازى است، ولى حقوقدانان عرب، واژه‏هايى چون حرمت، امتياز، استثنا، معافيت و حصانت را به عنوان ترجمه و معادل (Immunity) به كار مى‏برند، هرچند در معناى اخير بيشتر شايع است.(الحموى: 28) «مزايا» نيز در لغت جمع مزيّت، و از نظر اشتقاق، اسم مصدر به معناى افزونى، رجحان، برترى و امتياز است. مزيت از ريشه‏هاى (ميز) (مزّ) (مزو) (مزى) نيز آمده، كه در همه اينها معناى برترى و رجحان نهفته است. و هر كلمه‏اى كه از ريشه (مزى) اشتقاق يابد، در آن معناى برترى و كمال وجود دارد.(المنجد)

واژه «مزيت» در ادبيات حقوقى فارسى و عربى، مرادف (Privilege) كه از ريشه لاتينى (Privilegium) مشتق گرديده، به كار مى‏رود. «Privilege» در لغت بيگانه نيز در معانى امتياز، حق ويژه، برترى و معافيت به كار مى‏رود.(webster,s: 1085)

اما در مفهوم حقوقى، مصونيت بطور كلى بدين معناست كه دارنده آن، از تعقيب قانون و مأموران دولت، در امان است و به بيان ديگر قانون و مجريان آن نمى‏توانند شخص دارنده آن را تعقيب كنند. و مقصود از مزايا آن است كه امتيازاتى به كسى داده شود كه ساير مردم، حق استفاده از آن را ندارند.(صدر: 77)

تفاوت بين مصونيت و مزيت از نقطه نظر حقوق ديپلماتيك محل بحث و مناقشه فراوان بوده است. تا قبل از تصويب كنوانسيون 1961 وين در باره روابط ديپلماتيك ، دولتها از اصطلاح «مزايا» به گونه‏اى استفاده مى‏كردند كه هر دو اصطلاح مصونيت و مزيت را در بر مى‏گرفت، بدون آنكه معنى و مقصود خاصى از اين دو اصطلاح داشته و يا تفاوتى بين آن دو ببينند. از مباحث مورد مناقشه به هنگام تنظيم و بررسى كنوانسيون 1961، همين تفاوت بين مصونيت و مزيت بود. در نهايت در كنوانسيون مزبور اين دو اصطلاح به كار گرفته شد؛ ولى نه تعريفى از آنها ارائه گرديد و نه به بيان تفاوت پرداخته شد. در تنظيم ديگر كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك نيز همين روش ادامه يافت. در اين كنوانسيونها ـ كه در ادامه معرفى خواهد شد ـ مصونيتها در موضوعاتى چون مصونيت شخصى، مصونيت قضايى (جزايى يا مدنى) مصونيت از اقدامات اجرايى و «مزايا» نيز در مواردى مانند معافيتهاى مالى، عوارض و گمركات، معافيت از تفتيش و بازرسى، بيمه خدمات اجتماعى به كار رفته‏اند. به نظر مى‏رسد اين تفكيك به هدف سهولت در بحث و تدوين بوده و يك تفاوت شكلى است نه يك تقسيم علمى، و تدوين كنندگان كنوانسيونهاى بين‏المللى به عمد وارد اين گونه مناقشات بى‏حاصل نشدند. تفاوت اساسى در آن است كه مصونيتها در ارتباط مستقيم با حقوق بين‏الملل است؛ بر خلاف مزايا كه حقوق داخلى كشورها در اين باره صلاحيت گسترده‏اى دارند و بر اساس رفتار متقابل برقرار مى‏گردد. بنابراين چنانچه از مزايا سوء استفاده گردد دولتها مى‏توانند بر اساس مقررات داخلى خود اينگونه امتيازات را محدود سازند.اما وضعيت در خصوص مصونيتها چنين نيست، كه بحث حاضر عهده دار بررسى آن است.

قبل از آن لازم است ـ به اختصارـ دو موضوع، مورد اشاره قرار گيرد: نخست كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك و ديگر مبانى اعطاى مصونيتهاى ديپلماتيك.

### كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك:

عرف و معاهدات بين‏المللى، دو منبع اصلى حقوق بين‏الملل شمرده مى‏شوند؛ امّا عرف كه در گذشته اهميتى بيش از معاهدات داشته، اكنون اهميت خود را به نفع معاهدات از دست داده است. كميسيون حقوق بين‏الملل سازمان ملل متحد كه بر اساس ماده 13 منشور، مأمور تدوين و توسعه حقوق بين‏الملل شده است، نخستين فعاليتهاى خود را از جمله به تدوين حقوق ديپلماتيك معطوف داشته است. حاصل تلاشهاى اين كميسيون در اين شاخه علم حقوق، تاكنون در كنوانسيونهايى به شرح ذيل است:

#### 1 ـ كنوانسيون وين درباره روابط ديپلماتيك (1961)

(vienna convention on Diplomatic Relations (1961))

اين كنوانسيون بدون در نظر گرفتن ارتباط آن به عنوان يك معاهده بين‏المللى، متضمن مقرراتى است كه رويه عملى بين‏المللى، بر آن مبتنى است؛ زيرا منعكس‏كننده قواعد بين‏الملل عرفى است. به همين خاطر قواعد مدون و عرفى، در آن جنبه الزامى دارد و به قول كايه، عرف حاكم بر زمان خود را تثبيت نموده است. مشاور حقوقى سازمان ملل متحد در خصوص اين معاهده مى‏گويد: «مقررات عام يا عرفى موجود در اين كنوانسيون براى همه اعضاى جامعه بين‏المللى الزام آور است.»(UNJY:1967, P.311) اغلب مقررات اين كنوانسيون درصدد هماهنگ كردن حقوق عرفى است. در نتيجه مى‏توان آن را به عنوان قرينه‏اى بر حقوق عرفى، حتى در برابر دولتهايى كه عضو معاهده نيستند، به كار گرفت.(Akehurst: 114) تا سال 1981 تعداد دولتهايى كه به اين كنوانسيون ملحق شدند 137 دولت بوده است كه اين كنوانسيون را به منبع مهمى در روابط ديپلماتيك تبديل كرده است.(united, 1996: 287-305; 1961) از اين پس به اختصار آن را «كنوانسيون 1961» مى‏گوييم.

#### 2 ـ كنوانسيون درباره مأموريتهاى ويژه(1969) Convention on special missions (1969)

روابط ديپلماتيك بر محور كنوانسيون 1961 به مأموريتهاى دائم مربوط مى‏شد. ولى گسترش روابط اقتصادى و صنعتى بين كشورها حضور متخصصان و كارشناسان را در مأموريتها ايجاب مى‏نمود و كارشناسان سياسى مقيم در اماكن مأموريت نيز قادر به پاسخگويى به اين نيازها نبودند. چاره كار در تأسيس «مأموريتهاى ويژه» بود. كميسيون حقوق بين‏الملل در پاسخ به اين نياز «كنوانسيون راجع به مأموريتهاى ويژه» را تنظيم نمود كه تا سال 1992، 27 دولت به آن ملحق شدند. در نتيجه مطابق ماده 53 (1)كه پس از تسليم بيست و دومين سند تصويب يا الحاق، لازم الاجرا خواهد شد، هم اكنون لازم‏الاجراست. اين كنوانسيون بر مبناى كنوانسيون 1961 تنظيم گرديد و به مأموريتهاى موقت دوجانبه و فيمابين دولتها اختصاص دارد. (Dembinski: 10 YILC: 1971, 2, part.IP.320) و از اين پس به اختصار «كنوانسيون 1969» گفته مى‏شود.

#### 3 ـ كنوانسـيون وين راجع به نمايـندگى دولتها در روابطشان با سازمانهاى بين‏المللى جهانى (1975)

كميسيون حقوق بين الملل، در مورد نمايندگى دولتها نزد سازمانهاى بين‏المللى معتقد بود، اين نوع نمايندگى نيز بايد در چارچوب حقوق ديپلماتيك قرار گيرد. به همين دليل مأموريتهاى دائم نزد سازمانهاى بين المللى را بر طبق كنوانسيون 1961، و هيأتهاى نمايندگى نزد اركان و كنفرانسهاى سازمان را بر طبق مقررات كنوانسيون 1969 تنظيم نمود و طرح نهايى خود را طى 82 ماده در سال 1971 به مجمع عمومى تقديم كرد.(YILC, 1971-2-part.I. PP. 278-338) در سال 1975 كنفرانسى با عنوان «كنفرانس ملل متحد در مورد نمايندگى دول در روابطشان با سازمانهاى بين‏المللى» با حضور 81 كشور جهان، در وين تشكيل شد.(United Nations: the work of I.L.C.Op cit, P.70.)

كنوانسيون با سى و پنجمين سند تسليم، لازم‏الاجرا خواهد شد؛ ولى تا 26 اكتبر 1994، 30 كشور سند تصويب يا الحاق را تسليم كردند. دولت جمهورى اسلامى ايران به اين كنوانسيون ملحق شده است. كنوانسيون مزبور تحت عنوان «قانون الحاق دولت جمهورى اسلامى ايران به كنوانسيون راجع به نمايندگى دول در روابط باسازمانهاى بين‏المللى جهانى» در 28/4/1367 به تصويب مجلس شوراى اسلامى رسيد.(مجموعه قوانين، 1367: 524-491)

#### 4ـ كنوانسيون راجع به جلوگيرى و مجازات جرايم عليه اشخاص مورد حمايت بين‏المللى از جمله مأموران سياسى (1973)

در سال 1971، نمايندگى هلند در سازمان ملل متحد به دليل گسترش تروريسم و حمله عليه مأموريتهاى ديپلماتيك و اشخاص مورد حمايت بين‏المللى، به رئيس شوراى امنيت پيشنهاد داد كه اين موضوع مورد بررسى قرار گيرد. كميسيون حقوق بين‏الملل به دليل فوريت موضوع، در سال 1972 طرح خود را آماده كرد كه در 14 دسامبر 1973 «كنوانسيون راجع به جلوگيرى و مجازات جرايم عليه اشخاص مورد حمايت بين‏المللى من جمله مأموران سياسى» به تصويب مجمع عمومى سازمان ملل متحد رسيد.

كنوانسيون فوق - از اين پس به اختصار كنوانسيون 1973- در سال 1357 به تصويب مجلس شوراى ملى ايران رسيد.(همان، 1357: 9-43) طبق ماده 1 اين كنوانسيون اشخاص مورد حمايت بين‏المللى عبارتند از: رؤساى كشور و دولت،وزراى خارجه، نمايندگان و كارمندان يا شخصيتهاى رسمى هر كشور، و يا نمايندگان و مأموران يكى از سازمانهاى بين‏المللى.اين كنوانسيون در واقع تأكيدى است بر حمايت از مأموران سياسى كشورها بر طبق مقررات و كنوانسيونهايى كه قبلا منعقد گرديده است. كنوانسيون1973 كه به آن، كنوانسيون نيويورك نيز مى‏گويند، در سال 1977 لازم‏الاجرا شد و هفتاد كشور، عضو آن مى‏باشند.(Dembinski: OP.Cit:P.13)

#### 5 ـ طرح كنوانسيون راجع به وضعيت پيك ديپلماتيك و كيسه ديپلماتيك كه همراه پيك ديپلماتيك نباشد.(1989)

كنوانسيون فوق - به اختصار كنوانسيون 1989- در 32 ماده به سال 1989 به تصويب كميسيون حقوق بين‏الملل رسيد. هدف اين كنوانسيون متحدالشكل نمودن وضعيت پيكها و كيسه‏هاى انواع مأموريتهاى دولتها و سازمانهاى بين‏المللى است. همچنين اين كنوانسيون، مكمّل كنوانسيونهاى قبلى در خصوص پيك و كيسه ديپلماتيك مى‏باشد.(ماده32)(1). اين كنوانسيون آخرين تلاش كميسيون حقوق بين‏الملل در باره حقوق ديپلماتيك است.(United Nations: The work of I.L.C. op cit, PP.192-205 - Dembinski: OP.Cit, P.14) كه هنوز در مرحله طرح بوده و لازم الاجرا نشده است.

### مبانى اعطاى مصونيت:

تاريخ روابط ديپلماتيك نشان مى‏دهد كه دولتها بطور كلى نسبت به پذيرش مصونيت نمايندگان خارجى تمايل نداشته‏اند؛ زيرا بنابر قاعده كلى؛ حاكميت هر دولت بر كليه اشخاص و اشيايى كه در سرزمين آن واقع است اعمال مى‏گردد و قوانين در داخل مرزها نسبت به همه كس و همه چيز لازم الاجرا است، مگر مواردى كه قانون استثنا كرده باشد. مصونيت ديپلماتيك، محدوديتى بر حاكميت و تعطيل قانون داخلى به شمار مى‏آيد. در نتيجه اين سؤال مطرح مى‏شود كه فلسفه مصونيتهاى ديپلماتيك چيست؟

حقوقدانان براى توجيه و تبيين آن، نظريات مختلفى ابراز داشته‏اند كه اهم آنها را سه نظريه نمايندگى، برون مرزى، و مصلحت خدمت، تشكيل مى‏دهد.

الف ـ تئورى نمايندگى(Representative Theory)

تئورى نمايندگى، در طول مراحل قبل از قرن بيستم مورد توجه بوده است. شايد بهترين سخن در بيان اين تئورى همان گفته منتسكيو باشد. وى كه خود از طرفداران اين تئورى است، در كتاب روح القوانين مى‏گويد: «از جمله حقوق ملتها آن است كه اميران آنان به مبادله سفيران اقدام نمايند. سفيران از كشور پذيرنده و حاكم آن‏اطاعت نخواهند كرد. آنان زبان مقام فرستنده‏اند؛ اين زبان بايد آزاد باشد. به نيابت از يك شخصيت مستقل سخن مى‏گويند و هيچ چيزى نبايد مانع آنان گردد... چنانچه از صفت نمايندگى سوء استفاده نمايند با روانه كردن به كشورشان مى‏توان از آن جلوگيرى نمود.» منتسكيو در اين گفته هم به فلسفه مصونيت كه وصف نمايندگى است و هم به ضمانت اجراى سوء استفاده‏ازآن، يعنى اخراج، اشاره مى‏كند.(صدر: 79)

از ديگر مدافعان اين تئورى «فوشى» است كه مى‏گويد: «دليل وجود مصونيتها همان وصف نمايندگى است و بايد از استقلال لازم جهت انجام مأموريت برخوردار گردند و از هر گونه تعدى بر كرامت ملتهايى كه به مبادله سفيران اقدام نمودند، بايد اجتناب شود.»(الشامى: 447)

بنابراين به خاطر وصف نمايندگى از مقام فرستنده است كه مقامات پذيرنده، مأموران سياسى را به رسميت شناخته و مصونيت مى‏دهند.

ب ـ تئورى برون مرزى:

تئورى فوق برگرفته از كلمه لاتينى (Extra,Territorium) است كه به «خارج سرزمين»، «خارج از كشور» يا «خارج از سرزمين يك دولت» ترجمه شده است.نظريه «امتداد سرزمين» و « خارج المملكتى» نامهاى ديگر اين تئورى‏اند كه ناشى از اختلاف در ترجمه است. همچنين واژه مذكور به «امتيازات بيگانگان» «تابعيت وطن»، «فرامرزى بودن قوانين»، «منطقه ممنوعه»، «معافيت از صلاحيت سرزمين» نيز ترجمه شده است.(الحموى: 28)

اين نظريه بر اين فرض (Fiction) مبتنى است كه مأمور سياسى، خارج از سلطه سرزمين دولت پذيرنده قرار دارد. و گويا سفير، سرزمين خود را ترك نگفته و اقامت او در سرزمين بيگانه به مثابه امتداد اقامت او در وطن مى‏باشد. به عبارت ديگر تصور مى‏شود كه اماكن مأموريت، امتداد سرزمين دولت فرستنده است.

مبتكر اين نظريه «گروسيوس» حقوقدان معروف هلندى است كه مى‏گويد: «به موجب حقوق بين‏الملل، تجلى شخص رئيس كشور در شخص سفير، يك فرض است و با فرض مشابهى، مثل اين است كه سفير، خارج از خاك دولتى است كه نزد آن انجام وظيفه مى‏كند. در نتيجه مكلف نيست قوانين محل مأموريت را رعايت نمايد.»(الشامى: 452)

اُپنهايم مى‏گويد: «حقيقت آن است كه بايد با مأموران سياسى به گونه‏اى رفتار شود كه در سرزمين دولت پذيرنده اقامت ندارند»(793)

تئورى برون‏مرزى، با واقعيتهاى معاصر حقوق بين‏الملل، منطبق نيست و به نتايج غير قابل قبولى مى‏انجامد. به همين دليل اكنون مدافعى ندارد. به عنوان نمونه؛ رعايت مقررات امنيتى دولت پذيرنده، پرداخت عوارض و مالياتهاى محلّى در برابر خدمات معين، صلاحيت دولت محل وقوع مال غير منقول، از موارد متفق عليه در حقوق بين‏الملل است كه با نظريه برون‏مرزى سازگار نيست.

ج ـ تئورى مصلحت خدمت:

مضمون اين تئورى كه به تئورى «مصلحت خدمت» «مقتضاى وظيفه» و «ضرورت وظيفه» نيز نام گرفته(Interest of function) (Functional Theory) (Functional necessity) آن است كه مصلحت و ضرورت پيشرفت كار مأمور سياسى، در يك جو آرام و به دور از تأثيرات دولت پذيرنده، نيازمند برخوردارى از مصونيت است. به عبارت ديگر براى آنكه مأمور سياسى مأموريتش را در شرايط مساعد و استقلال كامل انجام دهد، لازم است در نظام حقوقى كشور پذيرنده در حد گسترده‏اى از آزادى عمل برخوردار باشد. اين آزادى عمل چيزى جز بهره‏مندى از امتيازات و مصونيتها نخواهد بود. اين تئورى، به طور گسترده‏اى مورد تأييد قرار گرفته و حقوقدانانى چون واتل، آغدن (Ogdon)، و هرست،از مدافعان آن به حساب مى آيند.(الملاح: 32؛ صدر: 83)

در ديباچه كنوانسيون 1961 آمده است: «منظور از مصونيتها و مزاياى مذكور منتفع ساختن افراد نيست؛ بلكه مراد، حسن اجراى وظايف مأموريتهاى ديپلماتيك به عنوان نمايندگان دولتها مى‏باشد...» در ديباچه كنوانسيونهاى 1969 و 1975 نيز همين مضمون، آمده است. ديوان بين‏المللى دادگسترى در قضيه كاركنان ديپلماتيك و كنسولى ايالات متحده در تهران نيز بر اين نكته تأكيد ورزيده و مى‏گويد:«مصونيت ديپلماتها ناشى از ويژگى نمايندگى و وظيفه ديپلماتيك آنان است.»(ابوالوفاء: 134)

بنابراين اعطاى مصونيت به نمايندگان دول به هدف تأمين اطمينان آنان در اجراى وظايف است و هدف، منتفع ساختن شخص آنان نيست. مصونيت به اعتبار مقام فرستنده براى آنان در نظر گرفته مى‏شود. پاسداشت چنين امتيازى نشان از شخصيت و كرامت فرستنده داشته و هر گونه سوء استفاده از آن نيز لطمه به اعتبار مقامى است كه او را به مأموريت برون‏مرزى فرستاده است.

### تعهدات متقابل دولتهاى فرستنده وپذيرنده:

روابط ديپلماتيك ميان دولتها بر اساس رضايت متقابل، تأسيس و برقرار مى‏گردد. وجود چنين رابطه‏اى نشان از دوستى و علاقه‏مندى طرفين به توسعه و تحكيم روابط بين دو دولت و ملت دارد. مهم‏ترين نقش را در اين باره نمايندگان سياسى دو كشور ايفا مى‏نمايند. آنان به طور رسمى نمايندگان دولت متبوع اند؛ ولى در واقع نمايندگان فرهنگ، ايده، آداب و رسوم سرزمين خويشند. چنانچه دولتى نماينده‏اى به يك سرزمين مى‏فرستد، در مقابل، نماينده‏اى نيز مى‏پذيرد. در هر نمايندگى، طرفين رابطه، دولت فرستنده (sending state) و دولت پذيرنده (receiving state)مى‏باشند و در نمايندگى نزد سازمانهاى بين المللى علاوه بر مقام فرستنده و پذيرنده دولت ميزبان، سازمان بين‏المللى (host state)نيز وجود دارد كه يك رابطه ديپلماتيك سه جانبه شكل مى‏گيرد.

بى ترديد رعايت و انجام تعهدات پيش‏بينى شده توسط دولتهاى ميزبان و فرستنده، آنها را در وصول به اهداف و مقاصد مشترك در روابط دو جانبه و نيل به همكاريهاى مشترك و فعال در زمينه ديپلماسى چند جانبه مساعدت خواهد نمود. نمايندگان دولت فرستنده در صورتى كه دولت پذيرنده به تعهدات خود عمل نمايد، خواهند توانست به طور مستقل و مطمئن به انجام وظايف بپردازند. در نقطه مقابل، رعايت قوانين و مقررات دولت پذيرنده و عدم مداخله در امور داخلى از سوى اعضاى نمايندگى در روابط دو جانبه از تيرگى و بحران روابط جلوگيرى خواهد كرد و در ديپلماسى چند جانبه فعاليتهاى آنان را با محدوديتها و تضييقات دولت ميزبان مواجه نخواهد ساخت.

ديوان بين‏المللى دادگسترى در قضيه كاركنان ديپلماتيك و كنسولى ايالات متحده در تهران، مى‏گويد: «مقررات و قواعد حقوق ديپلماتيك، در بردارنده رژيمى است كه از يك سو تعهدات دولت پذيرنده را در مورد تسهيلات، مزايا و مصونيتها معين مى‏نمايد و از سوى ديگر پيش‏بينى‏هاى ممكن را براى مقابله با هر گونه سوء استفاده اعضاى مأموريت در اختيار دولت پذيرنده قرار مى‏دهد»(40) بنابراين بين تعهدات و وظايف دولتين پذيرنده و فرستنده، توازن برقرار مى‏گردد. چنانچه دولت پذيرنده متعهد به اعطاى مصونيت است، دولت فرستنده نيز در مقابل موظف است قوانين و مقررات دولت پذيرنده و ميزبان را رعايت نموده، از مداخله در امور داخلى آن پرهيز كند. دولت فرستنده در برابر رفتار و اعمال نمايندگان خود مسؤوليت دارد و حقوق بين‏الملل، اين دولت را در موضع مسؤوليت نسبت به تمام اعمال نمايندگان خود كه موجب ايراد ضرر به دولت ميزبان يا اتباع او گردند، قرار مى‏دهد.(Oppenhiem: 359)

در ميان رفتارهاى نمايندگان در كشور ميزبان، دو اصل بيش از همه مورد توجه قرار گرفته و در كليه اسناد حقوق ديپلماتيك تكرار شده‏اند كه عبارت‏اند از: اصل عدم مداخله و اصل احترام به قوانين و مقررات دولت ميزبان.(3)

#### الف - اصل عدم مداخله:

عدم مداخله در امور داخلى يك دولت، از اصول مسلم حقوق بين‏الملل و انعكاسى از اصل حاكميت و برابرى دولتهاست. هيچ دولتى بدون آنكه خود بخواهد، مداخله در امور داخلى خود را اجازه نمى‏دهد. نويسندگان حقوق بين‏الملل به تفصيل در مورد اصل عدم مداخله، قلم فرسايى كرده‏اند.(ر.ك: كلييار: 562-540؛ كاسسه: 5-180؛ هالستى: 466-423) ولى به عدم مداخله نمايندگان دول كه يكى از مصاديق اصل است به ندرت پرداخته‏اند.

جانبدارى از احزاب و گروه‏هاى سياسى،نشر و توزيع مطبوعات مخالف، اتخاذ موضع در انتخابات، مشاركت در گردهماييها، انتقاد از سياست داخلى و خارجى دولت ميزبان و هر گونه اقدامى كه ناديده گرفتن اصل حاكميت تلقى گردد، از جمله موارد مداخله به حساب مى‏آيد.

اصل عدم مداخله نمايندگان دولتها، يك رويه عرفى و مقبول است. ولى از آنجا كه امور داخلى كشورها تأثير مهم و روزافزونى بر سياست خارجى دارد، در موارد بى شمارى اين اصل با نيرنگ ناديده گرفته مى‏شود، كمكهاى مالى يا اقتصادى، يكى از انواع آن نيرنگهاست. ديپلماتهاى كشورهاى غربى و اروپايى با برانگيختن بى‏نظمى‏هاى داخلى، كمك به دسته‏هاى سياسى خرابكار، انتشار تبليغات پنهانى، آموزش نيروهاى امنيتى و گاه شكنجه‏گران براى سركوب شهروندان ناراضى، سابقه چشمگيرى در مداخله در امور داخلى ديگر كشورها دارند.(كلييار: 540، هالستى: 290) مداخله 25 ساله امريكا در امور داخلى ايران، نمونه بارز ناديده گرفتن اصل عدم مداخله نمايندگان دولتها در امور داخلى كشورهاست. در قضيه سفارتخانه امريكا در تهران و شكايت دولت امريكا به ديوان، وزارت خارجه وقت ايران طى يادداشتى به ديوان از جمله اظهار داشت: در رسيدگى به اين قضيه مداخله 25 ساله دولت امريكا در ايران را نيز بايد مدنظر قرار داد.(ميرزايى: 88)

موضوع ديگر در ارتباط با عدم مداخله ،مرز بين مداخله و جاسوسى است. اين موضوع چنان پيچيده است كه ديوان بين‏المللى‏دادگسترى در رأى 1980 خود در قضيه سفارتخانه ايالات متحده در تهران تشخيص بين جاسوسى و مداخله در امور داخلى را در عمل مشكل دانسته است.(I.C.J Rep.1980,p.39) رعايت مصالح و امنيت دولت پذيرنده و حفظ نظام حقوقى آن يك اصل خدشه‏ناپذير و مقدم بر اصل مصونيت نمايندگان دول است. مطابق رويه قضايى كانادا؛ «هرگاه رفتار ديپلماتها، وضعيت امنيتى دولت پذيرنده را به مخاطره افكند، مصونيت آنان در برابر مصلحت اهم ساقط خواهد شد» (ابوالوفا: 147؛ صدر: 96) اصل حاكميت، محورى‏ترين اصل از حقوق اساسى دولتهاست و چنانچه دولتى با اعطاى مصونيتها محدوديتهايى را بر حاكميت خود مى‏پذيرد، عدم تعارض با عناصر اساسى حاكميت را نيز رعايت خواهد نمود.

#### ب - اصل احترام به قوانين و مقررات دولت پذيرنده:

ديپلماتها به هدف نمايندگى از كشور متبوع خود و حفظ منافع اين كشور و اتباع آن و نيز براى بسط روابط دوستانه و توسعه روابط فرهنگى، علمى و اقتصادى بين دو كشور فرستنده و پذيرنده، به آنجا اعزام مى‏شوند.(ماده 3 كنوانسيون 1961) آنان متعهد به رعايت قوانين و مقررات دولت پذيرنده‏اند.(ماده 41 همان كنوانسيون). ديوان بين‏المللى دادگسترى در قضيه «هايادولاتوره»(1951)تصريح كرده‏است: «بر نماينده سياسى لازم است قوانين دولت پذيرنده را محترم بشمارد».(Dembinski: OP.Cit P.157 -

158)

احترام به قوانين و مقررات دولت پذيرنده، لازمه منطقى اعطاى مصونيتهاست و در سايه آن، امنيت و مصالح دولت پذيرنده تأمين مى‏گردد. مصاديق احترام به قوانين و مقررات، متعدد و غير قابل احصاست. ولى مهم‏ترين آنها عبارت‏اند از: احترام به مقررات بهداشت عمومى، دريافت پروانه رانندگى و رعايت مقررات مربوط به آن، عدم استفاده از اماكن مأموريت به نحوى كه مغاير با وظايف باشد، احترام به مقررات مربوط به استفاده از مؤسسات عمومى و وسايل ارتباطى، عدم فعاليتهاى تجارى و حرفه‏اى و غيره. بى‏اعتنايى به مقررات دولت پذيرنده در پناه مصونيت، روشن‏ترين تعريف سوء استفاده از مصونيت است. مصونيت نمايندگان دول در واقع اعطاى اطمينان به آنان است، تا بدون مانع به انجام وظايف خود بپردازند.

نيك روشن است كه سوء استفاده از مصونيتها نه تنها در تعارض آشكار با اهداف ديپلماتيك قرار مى‏گيرد، بلكه بسا برهم زدن نظم داخلى و بين‏المللى را نيز به همراه داشته باشد. از نخستين پى‏آمدهاى منفى چنين رفتارهايى محدود نمودن مصونيتهاى مقرر خواهد بود. هم اكنون اين بحث در سطح بين‏المللى و با سابقه بيشتر در داخل كشورها مطرح است كه چرا برخى افراد در سطح بين المللى و داخلى در برابر جرايم ارتكابى، مسؤول شناخته نمى‏شوند؟ آيا اين با حقوق بشر جهانى در تعارض نيست؟(BEN-ASHER:1) برخى نيز اين وضعيت و سؤال را با بيانى انتقادآميز مطرح نموده و مى‏گويند: مصونيت ديپلماتيك، خيلى چيزها را تحت پوشش قرار مى‏دهد، اما نه عدم پرداخت 400 هزار دلار اجاره بهاى منزلى كه هيئت نمايندگى زئير در محله گران‏قيمت نيويورك اجاره كند و تحت پوشش ديپلماتيك از پرداخت آن سرباز زند. دادگاه، موجر را محق مى‏داند؛ ولى به دليل مصونيت اماكن مأموريت، هر گونه اقدام اجرايى را غير ممكن مى‏داند. هيأت نمايندگى مزبور نيز نه اجاره‏بها مى‏پردازد و نه محل مورد اجاره را تخليه مى‏نمايد. چه كسى مسئول جبران خسارتهاى وارده به موجر است؟ آيا آنگونه كه حقوق بين‏الملل از مصونيت ديپلماتيك حمايت مى‏كند، دولتها نيز همانگونه از شهروندان خود حمايت مى‏كنند؟(Goldenberg:1)

جرايم ارتكابى از سوى دارندگان مصونيت، منحصردر معضل اجاره‏بها نيست. جرايم اين دسته، از تخلفات رانندگى گرفته تا قاچاق دارو، قتل و جرايم جنسى را در بر مى‏گيرد. البته بسيارى از حوادث ديپلماتيك ممكن است از ديد عموم مخفى بماند؛ زيرا انتشار آن، به روابط ديپلماتيك طرفين لطمه خواهد زد!

در گزارشى از سال 1982 تا1988 ،147 جرم سنگين در واشنگتن توسط ديپلماتها صورت گرفته است كه 30 مورد، مربوط به خود ديپلماتها و 60 مورد از آن وابستگان آنها و 57 مورد، مربوط به ساير اعضاى مأموريت ديپلماتيك بوده است.(BEN-ASHER:OP.cit:9)

### انواع سوء استفاده از مصونيتها:

هر حقى به منظور بهره‏مندى درست از آن، مورد شناسايى و حمايت قرار مى‏گيرد. طبيعى است چنانچه مورد بهره‏بردارى سوء و نادرست قرار گيرد، نخستين پى‏آمد منفى آن، تقاضا براى محدود ساختن آن خواهد بود و سوء استفاده از مصونيت ديپلماتيك نيز از اين قاعده مستثنا نخواهد بود. در ادامه به برخى از مصاديق سوء استفاده خواهيم پرداخت.

#### 1- سوء استفاده از اماكن مأموريت:

اماكن مأموريت؛ يعنى ابنيه يا قسمتهايى از ابنيه و زمين متصل به آن كه براى انجام امور مأموريت از سوى يك دولت و نيز به عنوان محل اقامت رئيس مأموريت، مورد استفاده قرار مى‏گيرد. اين اماكن چه در مالكيت مأموريت باشد يا در اجاره، تفاوتى در وضعيت حقوقى آن نخواهد داشت. مصونيت اماكن مأموريت، در كليه كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك به نحو يكسان آمده است(4) و بالاتر آن كه برابر ماده 23 كنوانسيون 1975، دولت ميزبان موظف است، چنانچه اماكن مأموريت، مورد حمله قرار گيرد مرتكبين را تعقيب و مجازات نمايد.

اين بحث كه آيا مصونيت اماكن مأموريت مطلق است يا مقيد؛ محل اختلاف نظر شديد دولتهاى شركت كننده در كنفرانس وين 1961 بود. كنفرانس نيز در نهايت به نتيجه نرسيد و فقط به ذكر دو اصل پيش‏گفته يعنى «احترام به قوانين دولت پذيرنده» و «عدم مداخله در امور داخلى» و نيز توصيه به «عدم استفاده از اماكن مأموريت به نحو مغاير با وظايف مأموريت»(5) بسنده كرد.اختلاف نظر از اين جا ناشى مى‏شد كه دولتها تضمينات مناسبى را در صورت سوء استفاده از مصونيت اماكن مأموريت طلب مى‏كردند.

دليل عمده قائلين به مصونيت مطلق اماكن مأموريت، آن بود كه پذيرش هر گونه استثنا بر مصونيت اماكن، زمينه سوء استفاده دولت پذيرنده را فراهم خواهد كرد. در مقابل، قائلين به تقييد مى‏گفتند: با توجه به آنكه اماكن مأموريت نبايد به گونه‏اى مورد استفاده قرار گيرد كه مغاير با وظايف باشد، بنابراين چنانچه توطئه‏اى عليه امنيت دولت پذيرنده توسط اماكن مأموريت صورت گيرد، اين دولت حق اتخاذ اقدامات لازم را بايد داشته باشد. از نظر منطقى نيز مى‏توان گفت: تعهد دولت پذيرنده به مصونيت اماكن، با تعهد متقابل مسؤولان اماكن مأموريت به رعايت مصالح دولت پذيرنده همراه است و هرگونه كوتاهى از سوى نمايندگى، در نقطه مقابل، نقض تعهد دولت پذيرنده را در پى خواهد داشت و ناعادلانه است اگر مصونيت اماكن مأموريت بتواند تا آنجا پيش رود كه امنيت ملى كشور پذيرنده و ميزبان را تهديد كند. موارد متعددى وجود دارد كه مصونيت اماكن ناديده گرفته شده است و هيچ معيارى نمى‏توان براى اين تعرضات پيدا كرد، مگر آنكه دولت ميزبان به ملاحظه امنيت ملى خود دست به اين اقدام زده است. بنابراين مصونيت اماكن، به معنى نقض و ناديده گرفتن قوانين دولت ميزبان نيست و چنانچه اِعمال در اماكن مأموريت تهديد كننده بوده و به نحو مغاير با وظايف، مورد استفاده قرار گيرد، با وجود اطمينان (نه مجرد شبهه) به رفتار تهديدكننده از سوى اماكن مأموريت، مصونيت آن قابل نقض است.اين اطمينان بايد به گونه‏اى باشد كه دولت فرستنده نتواند عليه آن استدلال كند.

در عمل، دولتها همواره مصونيت اماكن را رعايت مى‏كنند و خويشتندارى نشان مى‏دهند. هيچ دولتى حاضر نيست روابط عادى خود را با دولت ديگر تيره نمايد، مگر مصلحت مهم‏ترى در بين باشد. مصونيت اماكن به اين منظور تأمين مى‏گردد كه مأموريت به وظايف خود به نحو آزاد و مستقل اقدام نمايد؛ ولى استفاده از آنها به نحوى كه مغاير با وظايف باشد، نقض غرض بوده و سوء استفاده از مصونيت تلقى مى‏گردد.

اقدامات فراوانى ممكن است از سوى اماكن مأموريت صورت گيرد كه فعاليتهاى جاسوسى، مهم‏ترين آن است. در باره مأموران ديپلماتيك شوروى سابق تا آنجا مبالغه كردند كه 70 در صد مأموران اين كشور را جاسوس دانستند. وزير خارجه اتريش در سال 1970 اعلام كرد: وين بزرگ‏ترين پايتخت دنيا از نظر تعداد جاسوسان است. وى اضافه كرد: پنجاه هزار نفر گزارشگر مخفى كه نيمى از آن به غرب و نيمى ديگر به شرق تعلق دارند، در اين شهر زندگى مى‏كنند.اين افراد، در پوشش ديپلماتيك، تحت عناوينى مانند وابسته، منشى، و مشاور، در اماكن مأموريت مشغول به كار مى‏شوند.(الملاح: 375؛ Rebcca: 13) يكى از بارزترين نمونه‏هاى سوء استفاده از اماكن مأموريت و در مقابل ناديده گرفتن مصونيت آن، قضيه تصرف سفارتخانه ايالات متحده امريكا در تهران بود.

براساس رأى صادره (1980) از ديوان در اين قضيه، دولت ايران تعهدات خود را در مقابل امريكا، كه از بندهاى 1 و2 و 3 ماده 22 كنوانسيون 1961 (مصونيت اماكن) ناشى مى‏شود، نقض كرده است. دولت ايران نيز در جوابيه‏اى به ديوان، موضوع مداخله 25 ساله و مستمر آمريكا را مطرح مى‏نمايد. اما ديوان اين استدلال را نمى‏پذيرد و معتقد است: تصميم مقامهاى ايران مبنى بر ادامه اشغال ساختمان سفارت توسط مبارزان و ادامه بازداشت اعضاى سفارت، نقض صريح و مكرر موازين كنوانسيونهاى وين است، و اگر دولت ايران معتقد است مداخله صورت گرفته است، مى‏توانست از طريق ضمانتهاى خاص حقوق ديپلماتيك، از قبيل اخراج، اعلام عنصر نامطلوب (ماده 9 كنوانسيون 1961) و يا قطع روابط ديپلماتيك، اقدام نمايد.(ميرزايى: 9-88)

ولى چه مرجعى از ايران در برابر مداخله امريكا در امور داخلى اين كشور حمايت مى‏كند و يا چه ارتباطى بين آموزش و تأسيس ساواك و وظايف ديپلماتيك وجود دارد مشخص نيست! بعضى از نويسندگان معتقدند: حادثه گروگانگيرى در تهران برخى از مسائل نهفته و دوگانگى معيارهاى حقوق بين‏الملل را برملا كرده است. حقوق بين‏الملل براى آنكه به منزله يك ابزار فعال در كاهش بحران بين‏المللى و اجتناب از درگيريها عمل نمايد، لازم است به همان اندازه كه از دولت فرستنده حمايت به عمل مى‏آورد، از دولت پذيرنده نيز در برابر آنچه كه موجب خلل در امنيت و آسايش كشور و موجب به بازى گرفتن حقوق اساسى و سياسى آن مى‏گردد، حمايت نمايد. اين نويسنده در ادامه مى‏گويد: رسيدن به عدالت از طريق ديوان بين‏المللى دادگسترى، و جلب اعتماد و اطمينان ملل مستضعف كه بسيارى از قواعد حقوق بين‏الملل را جز ابزارى در دست ابرقدرتها براى ذبح آرزوهايشان نمى‏بينند، تلاش مذبوحانه‏اى بيش نخواهد بود. در چنين شرايطى نتيجه آن است كه جمهورى اسلامى ايران محكوم است و درست هم هست؛ زيرا قواعد صريح حقوق بين‏الملل را نقض كرده است و ايالات متحده بر حق است و اين هم نادرست است؛ زيرا در كتب حقوق بين‏الملل آنچه را كه بتوان مطابق آن به صراحت امريكا را محكوم كرد، وجود ندارد.(البكرى: 6-145) برخى از حقوقدانان بين‏الملل بر اين باورند كه ايران در قضيه سفارتخانه امريكا در تهران، به طور كافى و متناسب جلب نظر عمومى نكرده است.(آكهرست: 159) اسناد منتشر شده سفارتخانه آمريكا در تهران، به خوبى گوياى آن است كه چگونه تحت پوشش مصونيتهاى ديپلماتيك، اين مكان به مركز اطلاعات و جاسوسى تبديل شده و اعضاى آن نيز در اعمال تروريستى و آموزش ساواك و شكنجه‏گران نقش داشته‏اند.

نمونه‏هاى ديگرى نيز از سوء استفاده مصونيت اماكن وجود دارد. از جمله:

ـ برخى‏كشورها از طريق مأموريتهاى خود با كمكهاى مالى و نظامى (تهيه اسلحه) بطور مستقيم يا به نحو مشاركت در اعمال تروريستى دخالت دارند. نمونه معروف آن كشف اسلحه در سفارت عراق و محل اقامت وابسته نظامى اين كشور در پاكستان است، كه در اختيار مخالفين دولت پاكستان قرار مى‏گرفت. پليس پاكستان، شبانه (11 فوريه 1973) به محل اقامت وابسته مزبور حمله كرد و 30 عدد مسلسل به دست آورد. پس از اين واقعه، وى را به عنوان «عنصر نامطلوب» از كشور اخراج مى‏كنند.(الملاح: 427 و 613)

همدستى دو ديپلمات روسى در ربودن يك هواپيماى لبنانى و درگيرى با مأموران امنيتى اين كشور در فرودگاه بيروت و مجروح شدن آنان و سپس انتقال به بيمارستان و از بيمارستان به سفارت و انتقال سريع با يك هواپيما به روسيه به دليل برخوردارى از مصونيت، از ديگر نمونه‏هاى سوء استفاده از مصونيت ديپلماتيك است.(ساجدى: 169)

تيراندازى از داخل سفارت ليبى در لندن به سوى يك زن پليس در سال 1984 كه منجر به كشته شدن پليس شد، نمونه ديگر سوء استفاده از اماكن است.(Rebecca: Ibid: 113) اين واقعه سه نوع سوء استفاده را با خود همراه دارد: سوء استفاده از اماكن مأموريت، سوء استفاده ازكيسه ديپلماتيك، سوء استفاده از وضعيت ديپلماتيك (كه بر اساس كنوانسيون 1961 وين در هر سه وضعيت مصونيت مطلق وجود دارد). تيراندازى از درون سفارت با اسلحه صورت گرفت و اين سلاح نيز از طريق كيسه ديپلماتيك و بدون بازرسى وارد انگلستان گرديد.(6) وضعيت ديپلماتيك نيز در اين بين نقش مهمى ايفا كرد و مجرم با استفاده از وضعيت ديپلماتيك از كشور خارج شد.(BEN.ASHER: OP.cit:9)

#### 2- سوء استفاده از مصونيت محل اقامت:

محل اقامت خصوصى و مسكن رؤساى مأموريت و هيأت نمايندگى و كارمندان آن، از همان مصونيت و حمايت اماكن مأموريت برخوردار است.(ماده 30 كنوانسيون 1961 و ماده 29 كنوانسيون 1975)

مصونيت مسكن و اموال متعلق به آن را بايد از توابع مصونيت شخصى دانست؛ ولى به دليل آنكه مصونيت مسكن از وضعيتى مشابه اماكن مأموريت برخوردار است و معمولاً مسكن رئيس مأموريت در مقر رسمى مأموريت جاى دارد، ضمن بحث اماكن مأموريت، از آن بحث مى‏شود. در واقع مصونيت محل اقامت،ادامه مصونيت شخصى است؛ زيرا استقلال سفير و اطمينان او با عدم مصونيت منزل وى مختل مى‏گردد. در آنصورت قادر نخواهد بود وظايف مهمى را كه بر عهده دارد انجام دهد.

به هر روى چنانچه دارندگان مصونيت، از مسكن خصوصى خود به نحوى كه مغاير با وظايف آنان است، استفاده نمايند، لازم است از دولت پذيرنده در برابر اين سوء استفاده حمايت به عمل آيد؛ چرا كه بديهى است مصونيت مسكن به معنى نقض و ناديده گرفتن مقررات دولت پذيرنده نمى‏باشد.

از قضاياى مربوط به اين مورد يكى جمع‏آورى سلاح در منزل وابسته نظامى عراق در پاكستان بود كه پيشتر اشاره شد. همچنين در سال 1972 نيروهاى دولت زئير متوجه شدند كه وابسته سنگال در كينشازا اقدام به قاچاق الماس در منزل خود نموده است. پليس با حمله به منزل او بيش از 800 قطعه الماس به دست مى‏آورد. متعاقب آن وى به عنوان عنصر نامطلوب از كشور اخراج گرديد. از قبيل اين سوء استفاده‏ها موجب شده است در مورد مصونيت مسكن ترديد حاصل شود. به نظر مى‏رسد اين ايده كه مصونيت مسكن، به نفع امنيت كشور پذيرنده مصونيت، نسبى بوده و بايد تا آنجا كه استقلال و اطمينان مأمور را در جهت انجام وظايف تأمين نمايد، برقرار گردد، ايده‏اى است كه منافع دولتهاى فرستنده و پذيرنده را تامين نموده، و در برابر سوء استفاده، از دولت پذيرنده، حمايت به عمل مى‏آورد. ولى چنانچه مصونيت مطلق را بپذيريم، همچنان بايد شاهد سوء استفاده از منازل و مساكن در جهت قاچاق و ناديده گرفتن ملاحظات امنيتى كشور پذيرنده باشيم.(الملاح: 7-425)

#### 3-اعطاى پناهندگى در اماكن ديپلماتيك:

پناهندگى در حقوق ديپلماتيك خود مى‏تواند موضوع مستقل و گسترده‏اى باشد. بدور از هر گونه مباحث مربوط به پناهندگى، فقط به اين مطلب اشاره مى‏شود كه مقاومت در برابر پناهندگى به اماكن مأموريت، به ملاحظه امنيت ملى كشورهاست.(صدر: 2-91Dembinski: OP.cit, PP 247-257 ) كنوانسيونهاى 1961 و 1975 در اين باره ساكت‏اند. بلكه مى‏توان گفت: حقوق ديپلماتيك مدون، پناهندگى ديپلماتيك را به رسميت نشناخته و چنانچه در اماكن مأموريت، اعطاى پناهندگى صورت گيرد، سوء استفاده از مصونيت اماكن تلقى مى‏گردد.(Brownlic: OP. cit, P. 354; Dembinski: OP.cit, P.257) هر چند اين حق در امريكاى لاتين به صورت منطقه‏اى شناخته شده است، ولى به عنوان يك قاعده حقوق بين‏الملل پذيرفته نيست.

ديوان در قضيه «هايادولاتوره» مى‏گويد: «اعطاى پناهندگى، دخالت در امور كشور پذيرنده است؛ زيرا مأموران قضايى را از رسيدگى به جرم باز داشته و مداخله آشكار در امور داخلى كشور پذيرنده به شمار مى‏آيد.»(I.C.J. ReP, 1950, P.274)

پناهندگى به اماكن مأموريت يكى از پيامدهاى تئورى برون‏مرزى است و اين تئورى در توسعه آن نقش مؤثرى دارد؛ ولى با قبول تئورى طرح «مصلحت وظيفه» نمى‏توان پناهندگى را در زمره وظايف نمايندگان دول، نزد ديگر دول يا سازمان بين‏المللى دانست. بنابراين هيچ حقى براى مأموريتها در اعطاى پناهندگى وجود ندارد.

مقاومت كشورها در برابر موضوع پناهندگى و عدم توافق بر يك معاهده بين‏المللى دراين باره را مى‏توان ناشى از اختلاف كشورها و تفاوت ديدگاههاى آنان در اين مسأله دانست كه حاكى از ملاحظات داخلى و امنيتى و به هدف جلوگيرى از سوء استفاده‏هاى دولتهاى فرستنده است.

از قضاياى چند سال اخير، پناهندگى ژنرال «ميشل عون» و هواداران او به سفارتخانه فرانسه در بيروت به سال 1990 است. با پايان گرفتن جنگ داخلى 15 ساله در لبنان، ژنرال مذكور به سفارتخانه فرانسه پناه برد و سپس به فرانسه منتقل گرديد.(ابوالوفا: 176)

#### 4- سوء استفاده از مصونيت شخصى:

از نقطه نظر تاريخى، مصونيت شخصى را نخستين قاعده حقوق بين‏الملل دانسته‏اند.(Nascimento: 82) هر چند تعريف مورد اتفاق در مورد مصونيت شخصى وجود ندارد، امّا نتايج اين مصونيت يعنى عدم توقيف و بازداشت و ممانعت از هرگونه اقدام عليه مأمور سياسى، مورد اتفاق است.(7) از طرفى ديوان بين‏المللى دادگسترى، در قضيه كاركنان ديپلماتيك و كنسولى ايالات متحده در تهران مى‏گويد: مصونيت اعضاى مأموريت و كاركنان آن بدين معنى نخواهد بود كه راه ارتكاب جرم يا تعدى براى مأمور سياسى باز باشد و توقيف او براى جلوگيرى از ارتكاب جرم در مدت كوتاه ممكن نباشد.(I.c.j.Rep.1980.p.3)

در رويه قضايى ايالات متحده امريكا و كانادا چنانچه ديپلماتها مرتكب اعمالى گردند كه وضعيت امنيتى دولت ميزبان را به مخاطره اندازد، مصونيت آنان به ملاحظه مصلحت اهم ساقط خواهد شد. وزارت خارجه امريكا نيز اعلام مى‏كند: اين نكته در مورد مصونيت شخصى بايد تفهيم شود كه دولت ميزبان از حق خود در حمايت از امنيت و رفاه ملت خود نخواهد گذشت و پليس به ميزان لازم براى جلوگيرى از جرم، مداخله خواهد كرد.(Unjy: 1979, P.209)

هدف از اعطاى مصونيت، منفعت شخصى افراد نبوده، بلكه به منظور تسهيل در انجام وظايف برقرار مى‏گردد. بنابراين چنانچه نمايندگان دول، قوانين دولت ميزبان را كه مكلف به رعايت آن هستند، مراعات ننمايند در آنصورت دولت پذيرنده حق دارد از امنيت خود دفاع نمايد و هر گونه تعرض عليه مأمور خاطى، نتيجه منطقى رفتار خود او خواهد بود. موضوع در جرم مشهود، آسان‏تراست و چنانچه مأمور سياسى در حال ارتكاب جرم باشد، طبيعى است كه حق و وظيفه پليس دولت ميزبان است كه از ارتكاب آن جلوگيرى نمايد و نمى‏تواند دست‏بسته، نظاره گر باشد.

اُپنهايم مى‏گويد: «هرگاه مأمور سياسى به اقداماتى مبادرت ورزد كه امنيت داخلى دولت ميزبان (پذيرنده) را به مخاطره اندازد يا در توطئه عليه آن شركت نمايد، حق بازداشت و مراقبت و نگهبانى از او تا خروج از كشور وجود دارد.»(Oppenheim:OP.Cit P.791.) بنابراين در موارد امنيتى و جرم مشهود، مصونيت شخصى وجود ندارد و توقيف يا بازداشت به انتظار احضار و فراخوانى نماينده خاطى از سوى دولت فرستنده در يك مدت معقول و يا انصراف از مصونيت وى جايز است.

#### 5- سوء استفاده از كيسه ديپلماتيك:

در تأمين ارتباط دولتها با نمايندگيهاى خود در خارج از كشور، امروزه استفاده از كيسه ديپلماتيك، حايز اهميت فراوانى است. آخرين سند حقوق ديپلماتيك (كنوانسيون 1989) در پاسخ به اين اهميت تدوين شده و قواعد حقوقى كيسه و پيك را در ساير كنوانسيونها تكميل نموده است. ولى از آنجا كه اين كنوانسيون در مرحله طرح است، بنابراين قواعد مربوط به كيسه را بايد در ساير كنوانسيونها جستجو كرد.

مهم‏ترين مسائل در خصوص كيسه و يا چمدان ديپلماتيك، سوء استفاده از آنها و معضل بازرسى كيسه است. چنانچه مقامات دولت پذيرنده و ميزبان به آنچه در درون كيسه قرار دارد مشكوك شوند و احتمال دهند كيسه حاوى اشياء ممنوعه نظير قاچاق يا اسلحه است، آيا مى‏توانند آن را بازرسى و تفتيش كنند؟

با ملاحظه عملكرد بين‏المللى مى‏توان شاهد سوء استفاده‏هاى فراوانى از كيسه‏هاى ديپلماتيك بود. كشورهاى ثروتمند، از مصونيت كيسه براى جاسازى سلاح، بمبهاى دستى، اسلحه‏هاى گرم، مواد شيمايى خطرناك، خروج اطلاعات، سرقت آثار باستانى و... سوء استفاده مى‏كنند. در مقابل كشورهاى فقير نيز بطور عمده به قاچاق مواد الكلى، ارز و مواد مخدر اقدام مى‏نمايند. خلاصه از انسان زنده تا جسد مرده در كيسه‏هاى ديپلماتيك يافت شده است. بطور مسلم اينگونه سوء استفاده‏ها براى دولت پذيرنده مخاطره‏آميز بوده و با رشد فعاليتهاى تروريستى و خرابكارى نمى‏توان به راحتى تسليم مصونيت كيسه‏هاى ديپلماتيك شد. به عنوان نمونه:

ـ در گمرك فرانسه وقتى پيك سوئيسى از حمل كيسه كوچك اظهار ناتوانى مى‏كرد، موجبات شك وترديد را نسبت به محتوى كيسه فراهم كرد. وقتى فرانسويان كيسه را گشودند در آن تعداد 2000 ساعت گران قيمت سوئيسى يافتند.

ـ در جريان ربودن وزراى نفت سازمان كشورهاى صادر كننده نفت (اوپك) در يكى از كنفرانسهاى وين (1980 - 1979) يكى از فلسطينيان شركت‏كننده در عمليات، اعتراف نمود كه مسلسل و نارنجك دستى را از طريق يكى از ديپلماتهايى كه با آنان احساس همدردى مى‏كرده، به وين منتقل نموده است.

ـ يكى ديگراز مشهورترين سوء استفاده‏ها از مصونيت كيسه‏هاى ديپلماتيك، قرار دادن جسد مخالف سياسى نيجريه در كيسه ديپلماتيك بود كه در1984 در فرودگاه لندن از بوى نامطبوع آن كشف گرديد.(B, Sen: 133)

اينها نمونه‏هاى اندك سوء استفاده از كيسه است.

مسأله بازرسى كيسه را بايد از طريق رابطه بين بندهاى 3 و 4 ماده 27 كنوانسيونهاى 1961 و 1975 جستجوكرد. بند 3 مى‏گويد: «كيسه‏هاى حاوى پست مأموريت نبايد باز شده يا توقيف گردد» و بند 4 مى‏گويد: «بسته‏هاى محتوى كيسه بايد داراى علامات خارجى مشهود و مشخص كيفيت آن باشد و فقط حاوى اسناد يا اشياء مورد استفاده رسمى مأموريت باشد.»

بسيارى از كشورها، در مورد بند 3 حق شرط قائل شدند: بحرين گفته است؛ با وجود دلايل جدّى بر اينكه كيسه، حاوى اشياء ممنوعه است، باز كردن آن قانونى است. و ليبى بر اساس رفتار متقابل، اين بند را مى‏پذيرد. دولتين سعودى و يمن در مورد بند 4 مى‏گويند: حق باز كردن بسته با حضور نماينده‏اى از مأموريت، قانونى است و الاّ بسته را به مبدأ باز مى‏گردانند.(Ibid)

به منظور جمع بين حق دولت فرستنده و پذيرنده پيشنهاداتى مطرح گرديد؛ پيشنهاد فرانسه آن بود كه هر گاه دلايل مبنى بر سوء استفاده از كيسه وجود دارد، در آن صورت كيسه به صلاحديد وزيرخارجه كشور ميزبان و حضور نماينده‏اى از مأموريت باز شود. ولى امريكا پيشنهاد كرد در چنين شرايطى با اذن وزير خارجه دولت پذيرنده و مأموريت كيسه بازرسى شود و هر گاه مأموريت اجازه ندهد، كيسه عودت داده مى‏شود. (ابوالوفا: 192، الملاح: 497)

بديهى است عدم رضايت دولت فرستنده به باز شدن كيسه حاكى از دو مطلب است؛ يا كيسه مشتمل بر اشياء ممنوعه‏اى است كه مورد استفاده رسمى نبوده و در نتيجه ادعاى دولت ميزبان ثابت مى‏گردد و يا مشتمل برامور سرّى است كه دولت فرستنده تمايلى به اطلاع يافتن دولت ميزبان ندارد. على رغم اين پيشنهادات، كنوانسيونها به ممنوعيت باز كردن كيسه تصريح مى‏كنند.

موضوع ديگر در اين خصوص، بازرسى الكترونيكى از طريق اشعه و يا كنترل از راه دور است كه در آن صورت شايد نياز به باز كردن كيسه نباشد. در اين مورد برخى معتقدند: از آنجا كه اين دستگاهها دقيقا محتوى كيسه را نشان نمى‏دهد، بازرسى الكترونيكى جايز است. (صدر: ص 95، الشامى: 500) اما بر خلاف اين نظر اكنون دستگاههاى پيشرفته حتى متون و نامه‏ها را به راحتى مى‏خوانند و بر اساس كنوانسيون 1989 بازرسى الكترونيكى نيز ممنوع است. (ماده 28 بند 1 كنوانسيون 1989)

موضوع ديگر در اين ارتباط استفاده از حيوانات براى كشف مواد مخدر از كيسه ديپلماتيك است. آيا چنين بازرسيهايى مخالف ماده 27 كنوانسيون 1961 و تعرض به مصونيت ارتباطات نخواهد بود؟ ديدگاه كشورها متفاوت است. انگليس، سوئيس و هلند استفاده از تجهيزات الكترونيكى را با حضور يكى از نمايندگان دولت فرستنده و وجود دلايل قانع‏كننده براى بازرسى و در صورت عدم كشف محتويات آن و به شرطى كه اين كار يك رويه عمومى و هميشگى نگردد، اجازه مى‏دهند.كشورهاى شمال اروپا(دانمارك،نروژ و سوئد) عمليات بازرسى غيرمستقيم الكترونيكى و استفاده از حيوانات را مجاز مى‏دانند. در اين بين فرانسه مى‏گويد؛ بازرسى غير مستقيم كيسه، منجر به گشودن يا عودت آن خواهد شد كه در هر دو صورت با ماده 27 معارض است. دولتين انگليس و فرانسه بازرسى الكترونيكى كيسه را جايز نمى‏دانند.(ابوالوفا: 193)

هر چند بر اساس اصل آزادى ارتباطات و مبناى مصلحت وظيفه، هر گونه تفتيش و بازرسى مستقيم يا غير مستقيم توسط دستگاههاى الكترونيكى يا حيوانات ممنوع است؛ اما سوء استفاده گسترده از كيسه‏ها با انگيزه‏هاى متفاوت و اختلاف مراتب كشورها از نظر سطح تكنولوژى، ايدئولوژيها و ميزان پاى بندى به مقررات بين المللى ، راه حل جديدى مى‏طلبد.

#### 6- سوء استفاده از توشه شخصى:

دولتها حق وضع مقررات مربوط به ورود و خروج اشيا را خواهند داشت. بنابراين براى ورود و خروج اشياء ممنوعه مانند مواد مخدر، اشيا و آثار باستانى، گياهان و مواد نباتى آلوده ، حيواناتى كه نياز به قرنطينه دارند، مشروبات الكلى كه در برخى كشورهاى اسلامى ممنوع است، نوارهاى مستهجن ويدئويى و ديگر موارد مشابه مى‏توان محدوديتهايى در نظر گرفت و از ورود آن جلوگيرى نمود.

بنابراين چنانچه در توشه شخصى اعضاى مأموريت، دلايل جدى وجود داشته باشد كه حاوى اشياء خارج از استفاده مأموريت و يا خارج از استفاده شخصى است و يا ورود و خروج آن طبق قوانين و مقررات قرنطينه دولت پذيرنده ممنوع است، با حضور شخص دارنده مصونيت و يا نماينده او بازرسى صورت خواهد گرفت.(8)

بازرسى توشه شخصى، با بازرسى كيسه ديپلماتيك كه پيشتر مورد بحث قرار گرفت، از اين جهت متفاوت است كه كيسه، متعلق به مأموريت است و بازرسى و گشودن آن بدون موافقت مأموريت جايز نيست، ولى باز كردن توشه شخصى با وجود دلايل جدى مبنى بر وجود اشياء ممنوعه ياخارج از استفاده رسمى ويا شخصى، امكان‏پذير و قانونى است، هر چند دارنده مصونيت معترض باشد.

مقصود از دلايل جدى آن است كه بايد ظن قوى قريب به يقين وجود داشته ، اطمينان حاصل شود كه با تفتيش، ظن، مبدل به يقين خواهد شد و الاّ ممكن است مسؤوليت مأمور گمرك يا دولت را در پى داشته باشد. ضرورت حضور دارنده مصونيت براى اين است كه خود شاهد وجود اشياء مظنون بوده، اطمينان داشته باشد كه در غياب او در توشه چيزى قرار نداده‏اند.(صدر، جواد: 6-115)

قاچاق مواد مخدر، سرقت اشياء باستانى، قاچاق ارز، بيشتر از طريق توشه شخصى و كيسه ديپلماتيك صورت مى‏گيرد. در كشور ما نيز مشاركت مأموريتهاى ديپلماتيك در توزيع نوارهاى ممنوعه ويدئويى، قاچاق اموال و اشياء باستانى و نسخه‏هاى قديم كتاب و عتيقه‏جات از موارد سوء استفاده از مصونيتهاى ديپلماتيك شمرده مى‏شوند. طبق يك گزارش، 16 سفارتخانه اروپايى در ايران، در كار قاچاق عتيقه‏جات بطور گسترده دخالت داشته‏اند.(معين‏زاده: 115) در نقطه مقابل يك ديپلمات ايرانى به تحريك يك تاجر فرش، تعدادى قالى ايرانى را با بهره‏مندى از معافيت حقوق گمركى وارد كشور پذيرنده كرد و بلافاصله اين قاليها در معرض فروش گذاشته شد. اين امر از نظر مأموران كشور پذيرنده مخفى نماند و موضوع علنى شد. البته براى نمايندگيهاى ديپلماتيك در همه كشورها نمونه‏هايى از اين دست يافت مى‏شود؛ زيرا ممكن است آن دسته از مأمورانى كه به اهميت خطير وظايف خود و يا اعتبار دولت فرستده خود واقف نيستند، از گرانى يا ممنوعيت برخى كالاها در محل مأموريت سوء استفاده كرده، با وارد كردن اشيا بدون پرداخت حقوق گمركى و بازرسى، سود غيرقانونى ببرند. در كشورهايى كه تفاوت ارز دولتى و بازار آزاد وجود دارد، تخلف از مقررات ارزى نيز توسط مأموران ديپلماتيك صورت مى‏گيرد. (ر.ك: ذوالعين: 416-409)

قاچاق سيگار، مواد مخدر، دارو و الكل در حد گسترده‏اى صورت مى‏گيرد، تا آنجا كه دو سفير از آمريكاى لاتين، دو عضو باند قاچاق مواد مخدر بودند. (Dembinski:166)

#### 7- تخلفات رانندگى:

مطابق مواد 22 و 30 كنوانسيون 1961 و كنوانسيونهاى مشابه، اتومبيلهاى متعلق به مأموريت و نيز مأموران ديپلماتيك از توقيف و بازرسى مصون است. موارد سوء استفاده مأموران ديپلماتيك از پلاك شخصى اتومبيل خود بسيار است. مثلا در نقاط ممنوعه و پارك ممنوع به علايم راهنمايى و رانندگى توجه چندانى نشان نمى‏دهند؛ زيرا مى‏دانند عمل آنان جريمه و مجازاتى ندارد و اين جريمه‏ها بايگانى و يا احيانا جهت اطلاع به دفتر نمايندگى ارسال مى‏شود. تخلفات رانندگى از اين قبيل در كشورهايى نظير سوئيس و امريكا كه در آنها معضل ترافيك وجود دارد بيشتر است. البته استفاده از اتومبيل، از مرحله تخلفات رانندگى فراتر رفته و از آن براى حمل كالاهاى غير قانونى و حتى اسلحه و يا فرارى دادن برخى افراد استفاده شده است.(ذوالعين: 5-374)

طى گزارشى مربوط به سالهاى 1976 و 1977 جرايم رانندگى توسط ديپلماتها در انگلستان، 92958 مورد بوده و تخلفاتى كه موجب خسارت به افراد و احيانا قتل گرديده، فراوان اتفاق افتاده است. دبير سوم سفارت آلمان در امريكا در اثر حادثه رانندگى، يك امريكايى را به قتل رساند و پس از اين حادثه از امريكا به سفارت آلمان در تهران منتقل گرديد. در سال 1953 سفير ايران در امريكا به اتهام اينكه به طرز جنون‏آميزى رانندگى مى‏كرد، بازداشت شد. سفير با استناد به مصونيت، آزاد گرديد؛ ولى راننده به دليل آنكه كارمندان ديپلماتيك موظف به رعايت قوانين محلى هستند جريمه شد.(الملاح: 8-326)

ـ در سوم ژانويه سال 1997 يكى از ديپلماتهاى گرجستان به نام «گئورگى ماهارادزه»(Gueorgui Makharadze) در يك حادثه رانندگى با سرعت زياد، در واشنگتن، دختر شانزده ساله‏اى را به قتل رساند.اين حادثه موجب برخورد پنج اتومبيل با يكديگر شد. در پى اين حادثه رئيس جمهور گرجستان «شواردنازه» از مصونيت ديپلمات مزبور صرف نظر كرد كه متعاقب آن وى در امريكا محاكمه و به 20 سال حبس محكوم شد.(ذوالعين: 379)

ـ در ژانويه سال 1997 سفير زئير در شهر مانتون (Menton)جنوب فرانسه، در حين رانندگى با سرعت زياد با دو جوان تصادف كرد كه منجر به مرگ آنان شد. سفير به دليل برخوردارى از مصونيت مورد تعقيب و توقيف قرار نگرفت ولى دولت زئير او را فراخواند. اما مطبوعات فرانسه حملات خود را به دولت زئير آغاز كردند و رئيس جمهور زئير تحت فشار افكار عمومى فرانسه و مطبوعات از مصونيت سفير صرف نظر نمود و سفير نيز به فرانسه بازگشت تا خود را در اختيار مقامات قضايى فرانسه قرار دهد.(همان)

بديهى است واگذاردن مجنى‏عليه به حال خود به استناد مصونيت، ناعادلانه، خلاف حقوق بشر و تضييع حقوق زيان ديده به شمار مى‏رود. از سوى ديگر نمى‏توان جبران خسارت مناسب از سوى دولت فرستنده را در كاهش بدبينى افكار عمومى ناديده گرفت.

در مورد حوادث رانندگى، اقدامات شديدى به عمل آمده است. بيمه‏هاى اجبارى كه ضررهاى ناشى از آن تماما قابل پرداخت باشد، توقف و ضبط گواهينامه رانندگى، اخراج و انتقال در صورت تكرار تخلف و ارتكاب خلافهاى مهم نظير رانندگى در حين مستى، برخى از اين اقدامات مى‏باشند. در كشور سوئيس تا مالك اتومبيل از جمله اعضاى مأموريت، تحت پوشش بيمه شخص ثالث قرارنگيرند، به آنان گواهى رانندگى يا پلاك ماشين واگذار نمى‏شود.(ابوالوفا: 201) به همين خاطر است كه مطابق ماده 78 كنوانسيون 1975 برخلاف كنوانسيونهاى سابق برخود، دارا بودن بيمه شخص ثالث به هنگام استفاده از وسايل نقليه، اجبارى است.

#### 8- سوء استفاده اعضاى خانواده نمايندگان سياسى از مصونيت:

هيچ يك از كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك، تعريفى از«خانواده» ارائه نكرده‏اند. كميسيون حقوق بين‏الملل و كنفرانس 1961 نيز نتوانستند بر تعريف قابل قبولى دست يابند؛ زيرا خانواده، در واقع به وضعيت و موقعيت يك شخص بستگى دارد. ولى بطور معمول به كسانى كه در خانه عضو نمايندگى زندگى مى‏كنند، اعضاى خانواده اطلاق مى‏شود.(Dembiniski:Op.cit, P.126)

در روابط ميان دولتها در خصوص مصونيتهاى همسر رئيس مأموريت يك اتفاق نظر بين‏المللى وجود دارد؛ بلكه رعايت آن از قواعد حقوق بين‏الملل عرفى به شمار مى‏آيد. همسر رئيس مأموريت از همان مصونيتها و مزاياى زوج خود برخوردار است؛ اما نسبت به همسران ساير مأموران سياسى، وحدت رويه وجود ندارد.Oppenheim:) (OP.Cit P.812

در مورد فرزندان رئيس مأموريت، قاعده كلى آن است كه از همان مصونيت مدنى و جزائى پدر برخوردارند؛ ولى در مورد ساير اعضاى مأموريت و فرزندان آنان با قاعده ثابت بين‏المللى روبه‏رو نيستيم.

قاضى افنسن مى‏گويد: «سلامتى خانواده يك شخص، از حقوق اساسى هر انسان است كه نه فقط حقوق بين‏الملل عرفى و قراردادى از آن حمايت مى‏كند بلكه اصول كلى حقوق كه مورد قبول ملل متمدن جهان است نيز مؤيد آن است و احترام به خانواده جزء مكمل مصونيتها و مزايايى است كه لازمه انجام وظايف به نحو اطمينان‏بخش است.» (ابوالوفا: 228)

به هر روى با آنكه اعضاى خانواده رئيس مأموريت و كارمندان ديپلماتيك، وظيفه‏اى در مأموريت ندارند، لكن از مصونيتهايى چون مصونيت شخصى، مصونيت محل اقامت و اموال و مصونيت قضايى، برخوردارند.

تجاوز به عنف پسر يكى از ديپلماتهاى عربستان سعودى در ويرجينيا نسبت به دخترى شانزده ساله از نمونه‏هاى جرايم ارتكابى وابستگان مأموران ديپلماتيك است. پيشتر نيز اشاره شد كه در گزارشى از 147 جرم صورت گرفته متعلق به سالهاى 1982 تا1988، 30 مورد توسط خود ديپلماتها، 60 مورد از سوى وابستگان آنها و 57 مورد توسط ساير اعضاى مأموريت ديپلماتيك صورت گرفته است.(BEN.ASHER: Op.cit.p.9)

### ضمانت اجراى سوء استفاده از مصونيتها:

سوء استفاده از مصونيت را بايد يك استثنا در اعطاى مصونيت به حساب آورد. ليك گسترش آن نگرانيهايى را در سطح داخلى و بين‏المللى به وجود آورده است. سوء استفاده‏ها خشم عمومى بسيارى از مردم را در پى داشته و اين پرسش را مطرح ساخته كه چرا برخى از انسانها با ارتكاب جرم و جنايت، مصون از تعقيب باشند و دادگاهها نتوانند در مورد آنان اقداماتى به عمل آورند و اين با جامعه دمكراتيك ناسازگار است. از سوى ديگر به نظر مى‏رسد مصونيت ديپلماتيك با عدالت و با بين‏المللى شدن حقوق بشر نيز در تعارض قرار گيرد.

در اسناد حقوق ديپلماتيك چنانچه دارندگان مصونيت از آن سوء استفاده نمايند، ضمانتهاى زير پيش‏بينى شده است:

1ـ اعلام شخص به عنوان «عنصر نامطلوب» توسط دولت پذيرنده.

2ـ احضار و فرا خوانى شخص خاطى توسط دولت فرستنده.

3ـ خاتمه دادن به وظيفه شخص خاطى توسط دولت فرستنده و انصراف از مصونيت وى، تا امكان محاكمه در كشور پذيرنده فراهم گردد.

4ـ قطع روابط ديپلماتيك.

ديوان بين المللى دادگسترى در رأى 1980 خود در قضيه كاركنان ديپلماتيك و كنسولى ايالات متحده در تهران به موارد چهارگانه فوق اشاره كرده و مى‏گويد:«قواعد حقوق ديپلماتيك در بردارنده رژيمى است كه از يك سو تعهدات كشور پذيرنده را در مورد احترام به تسهيلات، مزايا و مصونيتهاى مأموريتهاى ديپلماتيك معين مى‏نمايد و از سوى ديگر در صورت سوء استفاده اعضاى مأموريت، پيش‏بينى‏هاى ممكن را نموده و ابزارهاى خاص مقابله با هر گونه سوء استفاده را در اختيار كشور پذيرنده قرار داده است. در صورت سوء استفاده از قبيل جاسوسى و مداخله در امور داخلى، به ملاحظه اينكه در عمل، اثبات اين جرايم مشكل است، مى‏توان مطابق (ماده 9 بند 1) كنوانسيون روابط ديپلماتيك (1961)، خاطى را عنصر نامطلوب يا غير قابل قبول اعلام كرد. علاوه بر آن چاره اصلى جلوگيرى از سوء استفاده وظايف ديپلماتيك كه در حد گسترده‏اى صورت مى‏گيرد، در اختيار دولت پذيرنده است. هر كشور پذيرنده‏اى مى‏تواند چنانچه صلاح بداند به قطع روابط ديپلماتيك اقدام نموده، فورا خاتمه مأموريت فرد خاطى را اعلام نمايد».(Ziccardi: 61)

با گسترش سوء استفاده از مصونيتها، تمهيداتى براى مقابله با اين معضل پيش بينى شده است.

در سال 1986 وزراى خارجه كشورهاى عضو اتحاديه اروپا طى قطعنامه‏اى اعلام كردند:در زمينه مبارزه با تروريسم و اعمال تروريستى عليه ديپلماتها و كنسولها كه ناشى از سوء استفاده از مصونيتها و مزاياست، همكارى خواهند نمود؛ ولى تحقق اين هدف نيازمند موارد زير است:

1) همكارى در تبادل اطلاعات مربوط به آن دسته از اعضاى مأموريتها كه با تروريست‏ها مرتبط‏اند. 2) عدم پذيرش ديپلماتى كه در اعمال تروريستى دخالت داشته است. 3) كاهش حجم اعضاى مأموريت و اماكن آن. 4) تلاش براى اتخاذ موضع واحد در برابر كشورهايى كه عمليات تروريستى را ترغيب مى‏نمايند. 5) تسهيل تبادل اطلاعات در مورد تهديد عليه مأموريتها در كشورهاى اتحاديه اروپا.

همچنين اين ايده اكنون مطرح است كه مقررات كنوانسيون وين 1961 پاسخگوى معضل سوء استفاده از مصونيتها نيست و بايد از راههاى ديگر با آن مقابله نمود از جمله: گسترش همكارى بين‏المللى، شدت اخطارها به اعضاى مأموريت و ارتقاى سطح آگاهيهاى لازم به آنان، تقليل اماكن مأموريت و اعضاى آن، شدت عمل در بازرسى كيسه‏هاى ديپلماتيك با وجود دلايل جدى بر آنكه محتويات آن براى امنيت ملى يا امنيت عمومى مخاطره‏آميز است. پيشنهاد اخير از سوى دولت بريتانيا مطرح شده ولى اضافه مى‏كند: نبايد به عنوان سياست كلى به آن نگاه كرد و الاّ در مورد كيسه‏هاى ديپلماتيك بريتانيا مقابله به مثل خواهد شد!(ابوالوفا: 292)

در ادامه به مهم‏ترين ضمانتهايى كه اكنون براى مقابله با سوء استفاده از مصونيتها وجود دارد و يا مى‏تواند مطرح باشد خواهيم پرداخت:

#### 1ـ اعلام شخص به عنوان «عنصر نامطلوب» از سوى دولت پذيرنده.

چنانچه دولت پذيرنده، از رئيس مأموريت يا يكى از كاركنان ديپلماتيك آن به دليل ارتكاب اعمال مغاير با وظايف ديپلماتيك و سوء استفاده از مصونيت اعطايى و يا هر دليل ديگر ناراضى باشد، مى‏تواند او را «عنصر نامطلوب» (Persona non grata) اعلام نمايد. در آن صورت دولت فرستنده، يا او را احضار مى‏كند و يا به وظايف وى در مأموريت خاتمه مى‏دهد و چنانچه اين عمل توسط دولت فرستنده صورت نگيرد، با گذشت مدت معقول، دولت پذيرنده مى‏تواند از شناسايى وى به عنوان عضو مأموريت خوددارى نموده، همچون افراد عادى و فاقد مصونيت با او برخورد نمايد. (ر.ك: ماده 9 كنوانسيون 1961)

به نظر مى‏رسد شدت عمل در اعلام شخص سوء استفاده كننده به عنوان عنصر نامطلوب حتى در مواردى نظير تخلفات رانندگى شديد و ممانعت از پرداخت حق پاركينگ، در كاهش سوء استفاده‏ها تاثير بسزايى داشته باشد. كشورهايى چون آلمان، فرانسه و ايتاليا ديپلماتهاى مظنون به همكارى در جرايم را اخراج مى‏كنند. (BEN.ASHER: Op.cit. p.31)

#### 2- انصراف از مصونيت (Waiver of Immunity)

چنانكه گفته شد مأموران ديپلماتيك و كارمندان سفارتخانه‏ها، مصون از تعقيب و توقيف بوده، از مصونيت قضايى و اجرايى برخوردارند. از سوى ديگر چنانچه اين افراد، مرتكب جرم و يا تخلف گردند، براى تحقق عدالت و به ملاحظه مشكلات پى‏گيريهاى قضايى مربوط به مأمور خاطى در كشور متبوع وى، حقوقدانان به عنوان يك راه حل و نه يك تكليف، مسأله انصراف از مصونيت را به منظور رعايت حقوق دولت پذيرنده و اتباع آن، مطرح كرده‏اند. در اين صورت چنانچه دولت فرستنده از مصونيت فرستاده خود صرف نظر كند، قوانين و مقررات دولت پذيرنده در مورد فرستاده خاطى، قابل اعمال خواهد بود.

اما بر اساس بند 1 ماده 32 كنوانسيون 1961، دولت فرستنده مختار است كه از مصونيت مأمور خود صرف نظر نمايد. موضوع در ديگر كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك تقريبا مشابه است.(9) پرسشهاى متعددى در خصوص انصراف از مصونيت مطرح‏اند كه يكى از مهم‏ترين آنها اين است كه چه كسى حق انصراف از مصونيت را دارد؟ دولت فرستنده يا دولت پذيرنده و يا مأمور ديپلماتيك؟ در پاسخ بايد گفت: مصونيت به منظور تسهيل در انجام وظيفه بر قرار مى‏گردد. به عبارت ديگر اعطاى مصونيت به مصلحت دولت فرستنده و به اعتبار اينكه مأمور ديپلماتيك، نمايندگى آن را بر عهده دارد، در نظر گرفته مى‏شود. بنابراين فقط همين دولت است كه حق انصراف از مصونيت را خواهد داشت و حتى ديپلماتْ خود نمى‏تواند از مصونيت خود صرف نظر كند؛ زيرا مصونيت به مصلحت شخص او در نظر گرفته نشده تا به مصلحت وى ساقط شود؛ بلكه به اعتبار دولت فرستنده و اين كه وى نمايندگى آن را بر عهده دارد برقرار گرديده است.

بنابراين به هيچ روى نمى‏تواند در انصراف از مصونيت نقشى داشته باشد؛ زيرا حقى براى وى در اين باره شناخته نشده است. نتيجه آن است كه مصونيت و انصراف از آن حق دولتين فرستنده و پذيرنده است و ساده‏ترين قاعده در اِعمال و اسقاط يك حق آن است كه دارنده و مالك يك حق مى‏تواند از اعمال آن منصرف شود و اينجا همان دولت فرستنده است كه حق انصراف از مصونيت مأمور خود را خواهد داشت.

ـ در سال 1992 ديپلماتى از پاراگوئه در امريكا زنى را علاوه بر تجاوز جنسى به قتل رساند. به دليل بى رحمى شديد به كار رفته در اين جرم، مأموران ايالت ويرجينيا او را دستگير و متعاقب آن دادگاه، وى را مجرم شناخت. مقامات پاراگوئه در اين قضيه واكنشى از خود نشان ندادند و دادگاه ويرجينيا نيز از شناسايى مصونيت ديپلماتيك خوددارى و او را به اعدام محكوم كرد.(Diplomatic-immunity: Ibid,p.4)

مطابق كنوانسيونهاى مصونيتها و مزاياى سازمانهاى بين‏المللى؛ چنانچه مصونيتهاى نمايندگان دول عضو، مانع اجراى عدالت گردد و سلب مصونيت به هدفى كه به منظور آن اعطاى مصونيت شده لطمه‏اى وارد نسازد، دولت فرستنده موظف به سلب مصونيت است.(10) بخش 14 كنوانسيون 1946 به وضوح مى‏گويد: مزايا و مصونيتها جهت تأمين استقلال در اجراى وظايف است. بنابراين هر دولت عضو نه تنها حق دارد، بلكه مكلف است در مواردى كه بنا به تشخيص او مصونيت، مانع اجراى عدالت است و انصراف از آن به هدفى كه به سبب آن مصونيت اعطا شده خللى وارد نمى‏آورد، از مصونيت نماينده خود صرف نظر كند.(11) بدين ترتيب صلاحيت سرزمينى كشور ميزبان به طور ضمنى در صورت سلب مصونيت از نمايندگان، حفظ گرديده است.

هرچند انصراف از مصونيت، موجب صلاحيت قضايى دولت پذيرنده مى‏شود، اما موانعى نيز در برابر آن وجود دارد:

اولاً- انصراف از مصونيت فقط در مورد شخص ديپلمات يا ديگر اشخاص دارنده مصونيت مطرح است. بنابراين شامل انواع ديگر مصونيتها مانند مصونيت اماكن مأموريت نخواهد بود. اماكن مأموريت هرچند مورد سوء استفاده قرار گيرند مصونيت آنان غير قابل نقض است و تنها مى‏توان كارمندان و مأموران ديپلماتيك در آن را به عنوان عنصر نامطلوب اعلام نمود.

ثانيا- انصراف از مصونيت (بر اساس بند 1 ماده 32 كنوانسيون 1961) اختيارى است. به همين دليل نمى‏تواند مكانيسم كاملى براى جلوگيرى از سوء استفاده‏ها به حساب آيد. به نظر مى‏رسد چنانچه كشورها بطور دو جانبه يا به صورت منطقه‏اى، انصراف از مصونيت را به صورت اجبارى بپذيرند، مكانيسم مناسبى براى جلوگيرى از سوء استفاده از مصونيتها خواهد بود.

ثالثا- از نقطه نظر عملى، انصراف از مصونيت به ندرت صورت مى‏گيرد و دولتها در اين باره از خود انعطاف كمترى نشان مى‏دهند. بويژه در موارد مصونيتهاى جزايى، دولتها حاضر نيستند كه از مصونيت فرستاده خود صرف نظر كنند. مقررات انصراف از مصونيت، نيازمند اقدامات دولت ميزبان نيز هست كه در اكثر موارد در عمل غير ممكن است.

#### 3-كاهش تعداد مأموران ديپلماتيك :

تعداد ديپلماتهاى برخوردار از مصونيت را تا 400000 نفر در سطح بين‏المللى برآورد مى‏كنند (ابوالوفا: 139) و كشورهايى كه ميزبان سازمانهاى بين‏المللى هستند، شاهد حضور بيشترى از ديپلماتها مى‏باشند.

انتخاب اعضاى مأموريتهاى خارج از كشور گاهى به انگيزه‏هاى شخصى و گاه سياسى صورت مى‏گيرد. مقام مسئول در داخل كشور ممكن است مسئوليتهاى مأموريت خارجى را به اقارب و نزديكان خود بسپارد يا به منظور آنكه مخالفان سياسى را از صحنه سياسى كشور دور سازد و چند صباحى آسوده‏خاطر بماند، آنان را به خارج از كشور اعزام دارد و گاهى به قصد تشويق، فردى را به اينگونه مأموريتها اعزام مى‏دارند. چنين انگيزه‏هايى براى اعزام، با هدف اساسى اعطاى مصونيتها ناسازگاراست.

در گزارشى آمده است: سوء استفاده از مصونيتها و مزاياى ديپلماتيك به ماده 7 كنوانسيون 1961 بر مى‏گردد؛ زيرا در آن آزادى عمل انتخاب اعضاى مأموريت براى دولت فرستنده، محفوظ داشته شده است و اين آزادى عمل موجب مى‏شود كه دولتها مأموران ادارى و فنى را اعضاى ديپلماتيك معرفى كنند.(12) يا كسانى مانند دانشجويان و اساتيد را كه در مأموريت ديپلماتيك وظيفه‏اى بر عهده ندارند، در رديف دارندگانِ وضعيت ديپلماتيك معرفى نمايند. همچنين عبارت «افراد خانواده كه با مأمور سياسى در يك مسكن زندگى مى‏كنند»(13) حدود مشخصى ندارد و گاهى ممكن است كارمندان محلى و عادى را به عنوان اعضاى ادارى و فنى معرفى نمايند.اينها مواردى است كه موجب سوء استفاده از مصونيتها و مزايا مى‏گردد.(ابوالوفا: 64 AJIL, Vol,80,1988,p.137-8;)

در كنوانسيونهاى حقوق ديپلماتيك، تعداد افراد مأموريت، سقف معينى ندارد و نمى‏توان براى آن حداقل يا حداكثرى در نظر گرفت. به همين جهت فقط توصيه شده است كه تعداد افراد از حد معقول و متعارف تجاوز نكند. (ماده 11 كنوانسيون 1961، ماده 14 و 46 كنوانسيون 1975) اين وضعيت در عمل موجب بروز مشكلات و سوء استفاده‏هاى فراوانى گرديده و خواهد گرديد. در نتيجه بايد به دولت پذيرنده، حق داد تا از كشور فرستنده بخواهد كه سقف اعضاى مأموريت و تعداد آنها را كاهش دهد كه البته در سالهاى اخير فشار براى كاهش آن بيشتر شده است.(Brownlie: Op,cit,P.351)

همچنين راه حلهاى ديگرى براى جبران خسارت زيان‏ديده و مقابله با معضل سوء استفاده از مصونيتهاى ديپلماتيك مطرح مى‏شود؛ از آن جمله است:

- قطع روابط ديپلماتيك:

برخى از كشورها به منظور پيشگيرى از جرايم ارتكابى به قطع روابط ديپلماتيك اقدام كردند. به عنوان مثال امريكا دفتر مردمى ليبى را در واشنگتن در سال 1981 براى جلوگيرى از احتمال خطر تروريسم تعطيل كرد.(Ben-Asher: op.cit, p.38) بعلاوه ديوان نيز در قضيه سفارتخانه امريكا در تهران يكى از راه حلهاى مبارزه با سوء استفاده را قطع روابط دانست.

ـ طرح دعوا توسط متضرر نزد دولت فرستنده:

اين وضعيت، شانس زيان‏ديده را براى جبران خسارت، غير ممكن مى‏كند و از نقطه نظر عملى نيز با دشواريهاى بسيار توأم است.

ـ تقويت بيمه براى اماكن مأموريت و نيز سفارتخانه‏ها:

در اين وضعيت، زيانديده مى‏تواند مطمئن باشد كه بيمه بدون دخالت عنصر خارجى، به طور مستقيم خسارت وارده از سوى اماكن مأموريت و اشخاص را جبران مى‏كند.(Diplomatic Immunity,: op.cit, p.9) هرچند بيمه در دعاوى مدنى، ساز و كار مناسبى به شمار مى‏آيد، اما در موارد كيفرى نمى‏تواند براى زدودن پيامدهاى ناشى از جرم صورت گرفته كافى باشد.

### نتيجه و خلاصه:

مصونيتها به اين دليل به نمايندگان دولتها و مأموريتهاى اعزامى اعطا مى‏شود تا آنان بتوانند با اطمينان كامل به انجام وظايف پيش‏بينى شده بپردازند. دارندگان مصونيت موظف‏اند مقررات و قوانين دولت پذيرنده را مراعات نموده، از مداخله در امور داخلى آن دولت بپرهيزند. چنانچه اين دو اصل را رعايت ننمايند و به اعمالى مبادرت ورزند كه مغاير با وظايف آنان است، از مصونيتهاى اعطايى سوء استفاده كرده‏اند.اخراج شخص به عنوان عنصرنامطلوب، سلب مصونيت اختيارى و قطع روابط ديپلماتيك، ضمانت اجراى سنتى سوء استفاده از مصونيتهاست. ولى با گسترش و تنوع سوء استفاده‏ها مى‏توان مواردى چون؛ شدت عمل در اعلام شخص به عنوان عنصر نامطلوب، سلب مصونيت اجبارى، كاهش تعداد اعضاى مأموريتهاى ديپلماتيك و توسعه بيمه‏هاى اجبارى را در كاهش و يا جلوگيرى از سوء استفاده‏ها مدنظر قرار داد.

#### منابع:

1 - آكهرست، مايكل: كليات نوين حقوق بين‏الملل، ترجمه: مهراب داراب پور، چاپ اول، انتشارات جهان معاصر، تهران،1372، ص 159.

2 - ابوالوفا، احمد: قانون العلاقات الدبلوماسية و القنصلية، دارالنهضة العربية، القاهرة، 1996.

3 - احمد بن فارس: معجم مقاييس اللغة، ج3، مكتبة الاعلام الاسلامى، قم، ص324.

4 - اسداللهى، مسعود: احياى كاپيتولاسيون و پيامدهاى آن، سازمان تبليغات اسلامى، چاپ اول، 1373.

5 - البكرى، عدنان: العلاقات الدبلوماسية و القنصلية، مؤسسه الجامعية، الطبعة الاولى، بيروت1986.

6 - الحموى، مامون: المصطلاحات الدبلوماسية، مكتبة خياط، بيروت، 1966.

7 - الشامى، على حسين: الدبلوماسية، دار العلم للملايين، الطبعة الثانية، 1994، بيروت.

8 - الملاح، فاوى: سلطات الامن و الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية، منشاة المعارف،الاسكندرية، 1981.

9 - المنجد فى اللغة و الاعلام: دار المشرق، بيروت، 1973.

10 - ذوالعين پرويز: حقوق ديپلماتيك، دفتر مطالعات سياسى و بين المللى، تهران، چاپ اول، 1379.

11 - ساجدى، احمد: سازمانهاى جاسوسى دنيا، چاپ ششم، محراب قلم، 1366.

12 - صدر، جواد: حقوق ديپلماتيك و كنسولى، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1374.

13 - كاسسه، آنتونيو: حقوق بين الملل در جهانى نامتحد، ترجمه: مرتضى كلانتريان، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1366.

14 - كلييار، كلود، آلبر: نهادهاى روابط بين‏الملل، ترجمه و تحقيق: هدايت الله فلسفى، چاپ اول، نشر نو، 1368.

15 - مجموعه قوانين، چاپ روزنامه رسمى كشور.

16 - ميرزايى ينگجه، سعيد: ايران و صلاحيت اجبارى ديوان بين‏المللى دادگسترى، چاپ اول، دفترمطالعات سياسى و بين‏المللى، 1375.

17 - هالستى، كى، جى: مبانى تحليل سياست بين الملل، ترجمه: بهرام مستقيمى و مسعود طارم سرى، دفتر مطالعات سياسى و بين‏المللى، چاپ اول، 1373.

18 - (...they were not within the territory of the receiving state) C.Fَ Oppenheim: International law, Vol.1 peace, lauterpacht, 8th, ed. Long - mans, Green and co, London, 1995.

19 - Akehurst, michael: Amodern Introduction to International Law,6th ,ed., London,unwinHyman. 1988.

20 - B,sen: Diplomats, Handbooks of international law andpractice, 3, ed, martinus -Nijhoff,1988.

21 - BEN-ASHER: Human Rights meet diplomatic immunities: problems and possiblesolutions Harvard Law School, SJD Candidate, Harvard Law School; LL.M., November 2000 M.Juris., Oxford; LL.B.

22 - Dembinski, Ludwik: The modern Law of diplomacy, martinus, Nijhoff, Netherlands, 1988.

23 - Denza,Elleen: Diplomatic agents and missions privileges andImmunities,IN:Encyclopedia of Public International Law,vol.9,Netherlands,1981.

24 - Goldenberg, Rina: Abuse of Diplomatic Immunity: Is the Government Doing Enough? p.1. available at, http://www.nsulaw.nova.edu/student/organizations/ILSA Journal/1-1 Goldenberg (visited 23/10/ 2002).

25 - International court of justice Reports of judgments, Advisory opinions andorders(case concerning united states diplomatice and consular staff in Theran 1979 - 1980).

26 - Nascimento. G.E. DO. Esilva: Diplomacy IN: Encyclopedia of public Internationallaw.vol.9, Netherlands, 1981.

27 - Rebecca.M.M Wallace: International Law. first,ed. London, Sweet adn maxwell, 1986.

28 - United Nations: The work of International Law Commission, united nations, 5th. ed. Newyork. 1996.

29 - United nations conference on Diplomaic intercourse and Immunities vienna - march 14 April 1961 - 2Vol - Geneva - 1962.

30 - Vienna Convention on the Representation of states in their Relations with Interenationalcharacter.(1975). organizations of a universal

31 - Webster,s Third new international Dictionary.

1 - Abuse of diplomatic immunities and its sanction in international law

2 ـ عضو هيأت علمى - پژوهشى دانشگاه مفيد.

3 - ماده 41 كنوانسيون 1961، 47 كنوانسيون 1969، بند 1 ماده 77 كنوانسيون 1975.

4 - ماده 22 كنوانسيون 1961، ماده 25 كنوانسيون 1969، ماده 23 كنوانسيون 1975، بخش سوم كنوانسيون 1946 مصونيتها و مزاياى سازمان ملل متحد، و بخش پنجم‏كنوانسيون 1947 مصونيتها و مزاياى سازمانهاى تخصصى ملل متحد، ماده پنج قرارداد مقرر بين امريكا و سازمان ملل، ماده 3 و 2 كنوانسيون مصونيتها و مزاياى سازمان كنفرانس اسلامى، قانون سازمانهاى بين‏المللى امريكا فصل 14 note 9.

5 - مواد: 41 كنوانسيون 1961، 47 كنوانسيون 1969، 77كنوانسيون 1975.

6- البته اماكن مأموريت مى‏توانند براى حفاظت با اجازه دولت پذيرنده سلاح داشته باشند.

7 ـ ماده 29 كنوانسيون 1961، 28 كنوانسيون 1969، 28 و 58 كنوانسيون 1975.

8 - بند 2 ماده 65 و 35 كنوانسيون 1975 ماده 36 بند 2 كنوانسيون 1961، ماده 50 (3) كنوانسيون 1969، ماده 20 (2) كنوانسيون 1989.

9 - ماده 32 كنوانسيون 1961، ماده 41 كنوانسيون 1969، ماده 31 و 61 كنوانسيون 1975، ماده 22 طرح كنوانسيون 1989.

10 - بـخش 14 كنوانسـيون 1946، بـخش 16 كنوانسـيون 1947 و ماده 13 كنفرانس اسلامى.

11 - همچنين است بخش 16كنوانسيون 1947 وماده 13 كنوانسيون مصونيتها و مزاياى سازمان كنفرانس اسلامى

12- سرنوشت مستشاران نظامى امريكا پس از لغو «قانون استفاده مستشاران نظامى امريكا از مصونيتها و مزاياى كنوانسيون 1961» كه در 21 مهرماه 1343 تصويب شد، نمونه‏اى از روشنى اين وضعيت است . شوراى انقلاب در سال 1358 (سه ماه پس از پيروزى انقلاب) قانون مذكور را لغو كرد. ايالات متحده در پى اين اقدام، باقيمانده نظاميان خود را به عنوان اعضاى فنى و ادارى در سفارتخانه خود در تهران منصوب مى‏كند. «سايروس ونس» وزير خارجه وقت آمريكا، سه روز پس از لغو قانون مذكور طى تلگرامى محرمانه به سفارت آمريكا در تهران مى‏نويسد:«...كليه پرسنل باقيمانده مستشارى نظامى امريكا... از طرف دولت ايالات متحده به عنوان كارمندان ادارى و فنى به سفارت ايالات متحده مأمور شده‏اند. وزارت خارجه امريكا براى اين نوع پرسنل گذرنامه‏هاى سياسى صادر مى‏نمايد و تقاضا دارد كه وزارت خارجه ايران نيز اين پرسنل را با همان تعداد به عنوان كارمند ادارى و فنى به دولت متبوع خود معرفى نمايد.» ر.ك: اسداللهى: 8-165.

13- ماده 37 كنوانسيون 1961.